

فتح الفتوح ۲ آمریکا ۱۴ تابلوی نقاشی را آزاد کرد

دولت یازدهم پس از فتح الفتوح برجام از پیروزی بزرگی دیگر خبر داده و اعلام کرد آمریکا 14 نقاشی متعلق به ایران را پس داده است.



دولت یازدهم پس از فتح الفتوح برجام از پیروزی بزرگی دیگر خبر داده و اعلام کرد آمریکا 14 نقاشی متعلق به ایران را پس داده است.

بیش از 5 ماه از حصول توافق هسته‌ای میان ایران و 1+5 می‌گذرد. توافقی که دولت و حامیان آن را فتح الفتوح و ورق خوردن تاریخ نامیدند و بنا به وعده‌های آنان قرار بود همه مشکلات را حل کرده و کشور را کن فیکون کند؛ از آزادسازی بیش از 150 میلیارد دلار پول بلوکه شده ایران تا سیل سرمایه‌گذاری خارجی و حتی رفع مشکل آلودگی هوا و آب خوردن مردم. اما گذر زمان و تحولات پس‌برجام یکی پس از دیگری سراب وعده‌ها را آشکار می‌کند و ذوق‌زدگان توافق را سرخورده‌تر. نمونه‌اش یادداشت دیروز یکی از روزنامه‌های زنجیره‌ای که به سرخوردگان برجام هشدار و زنهار می‌داد که بی‌خیال مطالبات خود شوید و باید «قدر قله‌ای را که فتح کرده‌ایم بدانیم!» کدام قله و کدام فتح، بماند!

در این میان گویا برای آشپزهای داخلی برجام، چاره‌ای جز سرگرم کردن مخاطبان و مردم وجود ندارد. از همین منظر بود که یک مقام آگاه در نهاد ریاست جمهوری خبر از فتح الفتوح دیگر دوره پس‌برجام داد و گفت آمریکا 14 تابلوی نقاشی متعلق به ایران را آزاد کرده است!

این مقام که به دلایل نامعلوم نخواست است نام خود را به عنوان خبردهنده این فتح بزرگ فاش کند، در توضیح این عملیات ظفرمندانگفته است؛ در سال 1357 موزه هنرهای معاصر ایران وابسته به وزارت فرهنگ و هنر وقت 14 قطعه آثار هنری از دو هنرمند آمریکایی (4 قطعه از رابرت استرن و 10 قطعه از مایکل گریو) خریداری نمود و قیمت آنها را نیز پرداخت کرد اما با پیروزی انقلاب اسلامی و متعاقباً تصرف سفارت آمریکا در تهران و انسداد اموال ایران در آمریکا، استرداد و تحویل آثار خریداری شده با مشکلاتی مواجه شدند تا اینکه به موجب بیانیه‌های الجزایر که دی‌ماه 1359 امضا شد، دولت آمریکا متعهد شد کلیه اموال ایران من‌جمله این آثار هنری را به ایران مسترد کند.

وی افزود: اما آمریکا به رغم این تعهد، در مورد استرداد این چند قطعه آثار هنری اقدامی نکرد. این مقام آگاه در مرکز حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری در مورد مشخصات این آثار توضیح داد که این آثار هنری تابلوهایی است در مورد طرح‌های معماری باارزش که برای ایران انجام شده است.

وی اضافه کرد: دولت جمهوری اسلامی ایران در سال 1361 به علت تخلف آمریکا از بیانیه‌های الجزایر (از حیث استرداد اموال) دعوایی علیه دولت آمریکا در دیوان دآوری دعای ایران - ایالات متحده (در لاهه) اقامه کرد و با ارائه ادله و مدارک به دیوان نشان داد که مالک آثار هنری بوده و دولت آمریکا پس از امضای بیانیه‌های الجزایر باید آنها را به ایران تحویل می‌داد، لیکن در اجرای این تعهدات قصور کرده است و مسئولیت استرداد آنها برعهده دولت آمریکا است.

این مقام افزود: به هر حال پس از طرح دعوا، دولت آمریکا همچنان به بهانه‌های واهی از ترتیب انتقال آثار هنری امتناع ورزید و در پاسخ ادعا می‌کرد که تکلیفی به تحویل اموال ندارد و مسئله باید بین ایران و فروشندگان آمریکایی مستقیماً حل و فصل شود.

تبادل لوابیح و مدارک بین طرفین خاتمه یافت و جلسه رسیدگی دیوان دآوری به این دعوی بالاخره در مهرماه 1392 برگزار گردید اما در جریان جلسات رسیدگی، دولت ایالات متحده آمادگی خود را برای همکاری و ترتیب انتقال آثار هنری به ایران اعلام کرد و متعاقباً مرکز حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری اقدامات و هماهنگی‌های لازم را برای انتقال این اموال انجام داد به طوری که کلیه هزینه‌های آن نیز توسط آمریکا تقبل و پرداخت گردیده است.

این مقام گفت: این 14 قطعه اثر ابتدا به آمستردام حمل شد و پس از احراز اصالت آنها توسط نمایندگان و کارشناسان وزارت ارشاد، پس از 37 سال به ایران مسترد گردید.

جشن استرداد اموال!

رسانه‌های زنجیره‌ای این خبر را به عنوان دستاورد بزرگ دولت یازدهم پوشش دادند حتی برخی از آنها تیتر اول روزنامه‌های خود را به آن اختصاص داده و از آن به عنوان استرداد بخشی از اموال بلوکه شده ایران یاد کردند. فریب مخاطبان با چنین تیترهایی در حالی است که آمریکایی‌ها از ابتدای انقلاب میلیاردها دلار از اموال ایران را به بهانه‌های واهی بلوکه کرده و بخش هنگفتی از این پول را نیز در دادگاه‌های یک‌طرفه خود مصادره و تصرف کرده‌اند. در چنین وضعیتی سوت و کف زدن برای آزادی 14 تابلوی نقاشی را چه باید نامید؟ بلاهت یا فریب مخاطب؟!

روح فتح‌الفتوح!

ذوق‌زدگان برج‌چشم خود را به روی واقعیت‌ها بسته‌اند. همین چند روز پیش بود که مجلس نمایندگان آمریکا با رای قاطع طرح محدودیت سفر بدون ویزا به ایران را تصویب کرد. طرحی که براساس آن هر فردی که طی 5 سال گذشته به ایران سفر کرده باشد، نخواهد توانست به راحتی به آمریکا برود. به گفته کارشناسان مصوبه ضد ایرانی جدید آمریکا متمرکز بر سرمایه‌گذاری در ایران و به نوعی تحریم تازه در این راستاست؛ بدین‌جهت که با این مصوبه اجازه ورود سرمایه‌گذارانی که در ایران سرمایه‌گذاری کردند به‌طور تنبیهی به آمریکا داده نمی‌شود تا سرمایه‌داران بین‌المللی برای تجارت با کشورمان آچمز شوند. نکته جالب در این میان برخورد دولتمردان و رسانه‌های همسو با دولت با این قضیه بود. دولتمردان به این موضع منفعلانه که این طرح مخالف با روح برج‌چشم (!) است، اکتفا کردند که مبادا گردی به دامن کبریایی برج‌چشم که فتح‌الفتوحی تاریخی است بنشیند.

رسانه‌های زنجیره‌ای که طی این مدت بزک کردن آمریکا را در دستور کار خود دارند، از پوشش گسترده و برجسته این اقدام ضدایرانی آمریکا و تبعات قابل توجه آن خودداری کردند اما اروپایی‌ها که به خوبی واقفند این طرح چه چیزی را نشانه رفته و چه عواقبی به دنبال دارد، واکنش قابل تاملی از خود نشان دادند. 28 سفیر کشورهای اروپایی در آمریکا با انتشار نامه‌ای اعتراضی و سرگشاده، هشدار دادند که مصوبه جدید نه تنها غیرسازنده است، بلکه به اقدامات قانونی متقابل در مورد شهروندان آمریکایی منجر می‌شود و بدون افزایش امنیت، به اقتصاد کشورهای دو سوی اقیانوس اطلس لطمه می‌زند. این طرح اولین و آخرین اقدام خصمانه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران نیست. ندادن ویزا به نماینده ایران در سازمان ملل، تکرار تهدید توخالی اقدام نظامی، متهم کردن ایران به فعالیت‌های تروریستی و نقض حقوق بشر و... نمونه‌هایی از دیگر رفتارهای آمریکاست.

توافقی دیگر برای اخذ امتیازات نسبه برج‌چشم؟!

منتقدان برج‌چشم بارها هشدار داده‌اند که آمریکایی‌ها به هیچ عنوان قابل اعتماد نیستند و باید از توافق الجزایر میان ایران و آمریکا درس گرفت. توافقی که منجر به آزادی ماموران آمریکایی لانه جاسوسی شد اما واشنگتن به تعهدات خود عمل نکرد و نه از دخالت در امور ایران دست برداشت و نه اموال ایران را آزاد کرد و بارها به بهانه‌های مختلف بخشی از آن را عملاً به سرقت برد. تنها در یکی از این موارد سه سال پیش قاضی دادگاه فدرال آمریکا طی حکمی ایران را به پرداخت یک میلیارد و 750 میلیون دلار غرامت به قربانیان بمبگذاری سال 1983 در بیروت محکوم کرد. محل پرداخت این مبلغ از سرمایه بلوکه شده بانک مرکزی در سیتی بانک آمریکا اعلام شد و دادگاه تجدید نظر هم علیه ایران رای داده و حکم مزبور را تایید کرد.

با توجه به همین سوابق و تجربه‌های پرهزینه، یکی از اصلی‌ترین نقدهای وارده به برج‌چشم نقد بودن امتیازات داده شده از سوی ایران و نسبه بودن تعهدات طرف مقابل است. دقیقاً همان اتفاقی که در توافق الجزایر رخ داد و پس از آزادی جاسوسان آمریکایی، واشنگتن تعهدات خود را فراموش کرد و به اصطلاح زیر میز زد و اینک با گذشت بیش از 3 دهه و پس از امضای توافقی به نام، تنها 14 تابلوی نقاشی ایران را به جای میلیاردها دلار سرمایه ایران پس می‌دهد. با این فرمول چند دهه بعد باید توافقی دیگر با آمریکا امضا شود تا بلکه واشنگتن لطف کرده و به گوشه‌ای از تعهدات خود در برج‌چشم عمل کند و عده‌ای در داخل کشور این لطف آمریکایی را در بوق و کرنا کرده و جشن بگیرند!